

مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

دکتر جعفر جوان (نویسنده اصلی)

دکتر مجید یاسوری

دکتر محمد رحیم رهنما

نسرین احمدیان شالچی

بررسی وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی

(مطالعه‌ی موردی: منظومه‌ی روستایی مشهدقلی)

چکیده

زنان سرپرست خانوار جزو اقشار آسیب پذیر جامعه اند. شرایط اقتصادی این گروه از زنان، از مهم ترین عوامل آسیب پذیری آنان به شمار می رود. مقاله‌ی حاضر با هدف شناخت و ارزشیابی وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی تهیه شده است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و جامعه‌ی آماری این تحقیق را ۱۷۹ زن سرپرست خانوار ساکن در آبادی‌های منظومه‌ی روستایی مشهدقلی در شمال غرب مشهد تشکیل می دهند. نتایج تحقیق نشان می دهد که درآمد زنان سرپرست خانوار به دلیل اشتغال آنان در مشاغل بی ثبات و کم درآمد و هم چنین تعداد اندک شاغلان خانوار کم است. **کلید واژه ها:** زنان سرپرست خانوار / آسیب پذیری / منظومه‌ی روستایی مشهدقلی / مشهد.

درآمد

در سده‌ی اخیر، ادغام اقتصاد ایران در بازار جهانی تحولات زیادی به همراه داشت، که مهم ترین این تحولات بازماندن کشور از توسعه‌ی درون زا و پذیرا شدن دگرگونی های ناشی از توسعه‌ی برون زاست. حاصل توسعه‌ی اقتصادی برون زا الگوی شهرنشینی شتابان، تمرکز فضایی شدید و ناهمگون و قطبی شدن شهرها، گسترش آسیب های اجتماعی و رشد شمار گروه های آسیب پذیر می باشد.

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۱۱ تاریخ تصویب: ۸۷/۶/۱۳

در میان اقشار مختلف مردم، گروه‌های آسیب‌پذیر بیش از دیگران در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. زنان سرپرست خانوار به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند، یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به حساب می‌آیند. شرایطی که سبب می‌شود این گروه از زنان آسیب‌پذیر به نظر برسند، عبارت‌اند از:

- پایین بودن سطح سواد در میان زنان سرپرست خانوار و فرزندان آن‌ها؛

- نبود فرصت‌های شغلی و مشاغل مناسب؛

- دستمزدهای پایین نسبت به مردان در فرصت‌های شغلی برابر؛

- درصد بالای افت تحصیلی در میان فرزندان؛

- بالا بودن میزان بزهکاری در میان نوجوانان؛

- فقر زمانی برای زنان سرپرست خانوار شاغل تمام وقت (مطبع، ۱۳۷۸: ۵).

هم چنین پژوهش‌های متعدد نشان دادند که نقش دوگانه زنان در مدیریت امورخانه و تأمین معاش خانواده و تلاش آنان جهت رفع نیازهای مادی و معنوی خانواده، فرصتی برای استراحت و آرامش زنان باقی نمی‌گذارد (Fuwa, 2000: 1517; chant, 1996: 298).

تاکنه نیز در پژوهشی پیرامون زنان سرپرست خانوار در مالاوی به این نتیجه رسیده که زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان سرپرست خانوار از نظر نیروی کار، اندازه مزرعه و میزان تولید وضعیت نامطلوبی دارند (Takane, 2007).

یکی از عواملی که سبب شده زنان سرپرست خانوار در زمره گروه‌های آسیب‌پذیر قرار گیرند، شرایط نامناسب اقتصادی آنان است. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف جهان نشان داده است که نداشتن فرصت‌های شغلی، اشتغال در بخش مشاغل غیر رسمی و با دستمزد پایین و نداشتن درآمد مستمر، زنان سرپرست خانوار را با فقر روبه‌رو کرده است (chant, 2003: 8). بوونیک با توجه به مشکلات شغلی و کمبود درآمد و آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار، آن‌ها را در زمره اقشار آسیب‌پذیر دانسته است (Buvinic, 1995: 3). اما پژوهش‌های گوفر در کلمبیا نشان می‌دهد که همه زنان سرپرست خانوار فقیر نیستند (Gafer, 1998: 605)، و مطالعات گونزالس نشان می‌دهد که میان سرپرست خانواری زنان و فقر ارتباط سیستماتیکی وجود ندارد (Gonzalez de la Rocha and Grinspun, 2001: 61).

در ایران نیز با توجه به این که در سال ۱۳۸۵ از مجموع خانوارهای کشور ۹/۴ درصد را زنان مدیریت و سرپرستی می کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶)، تحقیقات و پژوهش هایی در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار انجام شده است، ناهید مطیع (۱۳۷۸)، مینو قدرچهرمی (۱۳۷۲)، فریده سرحدی زاده (۱۳۷۶)، ناریس امین رشتی (۱۳۷۹)، زهری خسروی (۱۳۸۰)، افسانه کمالی (۱۳۸۲)، ستاره فروزان (۱۳۸۲)، مهشید نوری (۱۳۸۲)، کاظم قجاوند (۱۳۸۲)، ژاله شادی طلب (۱۳۸۳)، شهناز طباطبایی یحیی آبادی (۱۳۸۴)، تحقیقات سودمندی در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار انجام داده اند.

نتایج پژوهش های انجام شده در ایران نیز مؤید وضعیت اقتصادی نامطلوب زنان سرپرست خانوار است (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۵۷). در میان زنان سرپرست خانوار وضعیت اقتصادی زنان روستایی بدتر از زنان شهری است، به گونه ای که در سال ۱۳۸۰ میزان فقر مطلق در میان زنان سرپرست خانوار شهری ۱۵ درصد و در میان زنان سرپرست خانوار روستایی ۱۹ درصد بوده است (شادی طلب، ۱۳۸۳: ۶۰). با توجه به دیدگاه های مزبور، این نوشتار به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار آبادی های حاشیه‌ی شهر مشهد چگونه است و این شرایط چه نقشی در آسیب پذیری آنان دارد؟

ناحیه‌ی مورد مطالعه

ناحیه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش منظومه‌ی روستایی مشهد قلی واقع در شمال غرب است. این ناحیه در طرح سطح بندی خدمات به عنوان یکی از منظومه‌های روستایی معرفی شده است (شایان، ۱۳۸۲). منظومه مشهد قلی ۹۴ مرکز جمعیتی را در بر می گیرد که در دهستان های توس و میان ولایت از بخش مرکزی و دو دهستان شاندیز و طرچه از بخش طرچه شهرستان مشهد قرار دارند. قلمرو منظومه‌ی مشهد قلی بخشی از حاشیه‌ی شهر مشهد است که در سال های اخیر گسترش و رشد بسیاری یافته است، به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۱ تاکنون بیشترین گسترش حاشیه‌ی شهر در این ناحیه رخ داده است. در سال ۱۳۸۵ جمعیت این منظومه ۸۶۲۶۴ تن است که تشکیل ۲۱۱۵۹ خانوار را می دهند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. برای تهیه‌ی اطلاعات و داده‌های این پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای، اینترنتی و پژوهش‌های میدانی استفاده شده است. در پژوهش‌های میدانی فنون مختلف ارزشیابی مشارکت روستایی، تکمیل پرسش‌نامه و مصاحبه‌های فردی و گروهی و مشاهده به کار گرفته شده است.



جامعه‌ی آماری پژوهش مراکز جمعیتی منظومه روستایی مشهد قلی و زنان سرپرست خانوار این آبادی هاست. با استفاده از فرمول کوکران تعداد روستاهای نمونه ۱۶ آبادی و تعداد زنان سرپرست خانوار نمونه ۱۷۹ تن محاسبه گردید.

نمونه گیری با روش احتمالی و به دو شیوه‌ی تصادفی ساده و منظم در دو مرحله انجام شده است. در مرحله‌ی نخست تعداد ۱۶ روستای نمونه انتخاب شدند و در مرحله‌ی دوم تعداد ۱۷۹ زن نمونه در بین روستاهای نمونه مشخص گردیدند.

توصیف آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسش نامه‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است.

یافته های تحقیق

وضعیت فعالیت

در سال ۱۳۸۵ از مجموع زنان نمونه ۷۸/۲ درصد کار می‌کردند و ۲۱/۸ درصد غیر فعال بودند. ۸۱/۴ درصد زنان شاغل کم تر از پنجاه سال سن دارند. نیاز اقتصادی و مسؤولیت اداره زندگی خود و افراد تحت حمایت، اشتغال آنان را ضروری ساخته است.

از میان زنانی که کار نمی‌کنند ۷۲/۹ درصد بیش از شصت سال سن دارند. کهولت سن و ناتوانی جسمی در این گروه قدرت انجام فعالیت‌های درآمدزا را از آنان سلب کرده است. از جمع زنان غیر فعال فقط یک تن دارای درآمد بدون کار بوده و بقیه با بهره‌مندی از کمک‌های حمایتی و یا درآمد فرزندان زندگی خود را می‌گذرانند.

نوع فعالیت

در میان زنان سرپرست خانوار نمونه ۴۵/۸ درصد در بخش کشاورزی، ۲/۸ درصد در بخش صنعت و ۵۱/۴ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع زنان سرپرست خانوار شاغل در سه گروه عمده فعالیت اقتصادی

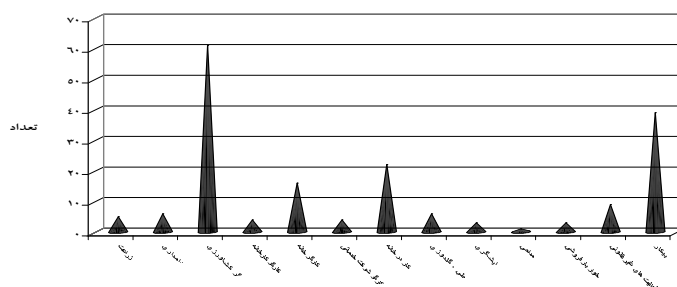
نوع فعالیت	تعداد	درصد
کشاورزی	۶۴	۴۵/۸
صنعت	۴	۲/۸
خدمات	۷۲	۵۱/۴
جمع	۱۴۰	۱۰۰

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

در میان زنان شاغل، زنانی که به عنوان کارگر کشاورزی از طریق وجین کردن، درو، جمع آوری محصولات و ..کشاورزان را یاری می دهند، بیش ترین تعداد را دارند. زنانی که در خانه با انجام کارهایی همچون سبزی پاک کردن، تهیه ترشی، پاک کردن حبوبات و..تولید در آمد می کنند و هم چنین زنانی که به عنوان خدمتکار در منازل شهری فعالیت می کنند، ۲۷/۱ درصد زنان شاغل را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر ۶۵ درصد زنان کارکن از طریق فعالیت های بی ثبات، موقتی و با درآمد اندک، کسب درآمد می کنند.

جدول ۲ نشان می دهد که از جمع زنان شاغل، فقط ۷/۹ درصد کشاورز و دامداراند. این زنان ضمن آن که به همراه افراد خانواده امور مختلف تولیدی را انجام می دهند، وظیفه‌ی نظارت و مدیریت بر انجام کارها را نیز برعهده دارند.

نمودار ۱: توزیع شغلی زنان سرپرست خانوار



جدول ۲: توزیع زنان سرپرست خانوار به تفکیک نوع شغل

شغل	تعداد	درصد
زراعت	۵	۳/۶
دامداری	۶	۴/۳
کارگر کشاورزی	۵۳	۳۷/۹
کارگر کارخانه	۴	۲/۹
خدمتکار	۱۶	۱۱/۴
کارگر شرکت خدماتی	۴	۲/۹
کار در خانه	۲۲	۱۵/۷
خیاطی، گلدوزی	۶	۴/۳
آرایشگری	۳	۲/۱
مداحی	۱	۰/۷
خوار بار فروشی	۳	۲/۱
فعالیت های غیر قانونی	۱۷	۱۲/۱
سایر	۱۴۰	۱۰۰
جمع	۵	۳/۶

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

برای سنجش تفاوت کارکرد زنان سرپرست خانوار کشاورز با مردان کشاورز، هزینه‌ی تولید و درآمد خالص زنان نمونه با جامعه‌ی شاهد متشکل از مردان کشاورز مقایسه شد. یافته‌های پژوهش (جدول ۳) نشان داد که درآمد خالص محصولات، بین زنان نمونه و جامعه‌ی مردان کشاورز تفاوت زیادی ندارد. برای آزمون این ادعا، آزمون t مستقل به کار برده شد. میزان t محاسبه شده برای سه محصول عمده تولیدی شامل گندم، برابر ۱/۳۱۲، گوجه فرنگی، برابر ۱/۰۹۵ و پیاز برابر ۱/۰۲۳- می‌باشد، که از میزان t در سطح آلفا ۰/۰۵ با ۴ درجه آزادی، برابر ۲/۱۳۲ کوچک تر هستند. بنابراین

تأیید می‌شود که درآمد خالص تولیدات زراعی در میان زنان سرپرست خانوار نمونه و مردان کشاورز تفاوت چندانی ندارد و میزان درآمد زنان سرپرست خانوار نمونه از مردان کشاورز در محصولات گندم و گوجه فرنگی اندکی کم تر و در محصول پیاز کمی بیش تر است.

جدول ۳: درآمد خالص محصولات زراعی در زنان نمونه و جامعه شاهد (در هکتار به هزار تومان)

پیاز		گوجه فرنگی				گندم				ردیف		
		جامعه شاهد		زنان نمونه		جامعه شاهد		زنان نمونه				
درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه			
۱۹۹۰	۴۱۰	۱۸۷۰	۴۳۰	۱۹۸۰	۴۲۰	۲۱۷۰	۴۳۰	۶۶۸	۹۲	۶۶۰	۹۰	۱
۲۰۰۰	۴۰۰	۱۹۹۰	۴۱۰	۲۱۰۰	۴۰۰	۲۰۹۰	۴۱۰	۶۷۳	۸۷	۶۷۸	۸۸	۲
۲۱۱۰	۳۹۰	۲۱۰۰	۴۰۰	۱۹۱۰	۳۹۰	۲۰۰۰	۴۰۰	۶۸۰	۹۰	۶۹۰	۹۰	۳
۱۸۹۰	۴۱۰	۱۹۸۰	۴۲۰	۲۰۹۰	۴۱۰	۲۰۹۰	۴۱۰	۶۹۵	۸۵	۶۹۸	۸۸	۴
۲۱۱۰	۳۹۰	۱۸۸۰	۴۲۰	۱۹۲۰	۳۸۰	۱۸۸۰	۴۲۰	۶۸۰	۹۰	۷۰۰	۹۰	۵

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

در سایر ابعاد تولید محصولات زراعی و هم چنین دامداری، تفاوت آشکاری میان زنان سرپرست خانوار نمونه و مردان جامعه‌ی شاهد وجود ندارد، به غیر از این که مردان مالک نهاده‌های تولیداند، که از میزان t در سطح آلفا $0/05$ با 4 درجه آزادی، برابر $2/132$ کوچک تر هستند. بنابراین تأیید می‌شود که درآمد خالص تولیدات زراعی در میان زنان سرپرست خانوار نمونه و مردان کشاورز تفاوت چندانی ندارد و میزان درآمد زنان سرپرست خانوار نمونه از مردان کشاورز در محصولات گندم و گوجه فرنگی اندکی کم تر و در محصول پیاز کمی بیش تر است.

عدم دسترسی یا دسترسی اندک زنان سرپرست خانوار روستایی به منابع تولیدی، یکی از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر نیز هست. نتایج پژوهشی در کشور زامبیا نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار در این کشور از دسترسی به منابع تولیدی محروم‌اند (horrell and krishan, 2006:18).

هم چنین اطلاعات موجود پیرامون مزارع تحت مدیریت و سرپرستی زنان در هشت کشور در حال توسعه، نشان می دهد که در کشور مصر ۲۸/۱ درصد و در کشور سنگال ۲/۱ درصد مزارع توسط زنان سرپرست خانوار اداره می شود. این زنان عموماً مزارع کوچک را اداره می کنند (جهاد، ۱۳۷۳: ۵۲). در ایران نیز بر اساس سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲ در ناحیه‌ی مورد مطالعه فقط ۱/۸ درصد و در آبادی‌های نمونه فقط ۲/۲ درصد از بهره برداری های کشاورزی را زنان مدیریت می کنند و همه آنان نیز زنان سرپرست خانوار نیستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲).

منابع درآمد

درآمد زنان سرپرست خانوار از طریق اشتغال خود، اشتغال فرزندان، منابع حمایتی و یا ترکیبی از آنها تأمین می شود.

در میان زنان سرپرست خانوار نمونه ۴۳/۶ درصد از خانوارها فقط یک منبع درآمدی دارند که شامل اشتغال زنان در ۲۵/۱ درصد خانوارها، کار فرزندان در ۲/۸ درصد خانوارها و منابع حمایتی در ۱۶/۲ درصد خانوارهاست.

جدول ۴ نشان می دهد که ۵۱/۶ درصد زنان نمونه دو منبع درآمدی دارند، در حالی که فقط ۴/۵ درصد آنان از هر سه منبع درآمدی برخوردارند.

از کل خانوارهای نمونه ۱۶/۲ درصد، بدون فرد کارکن هستند. این خانوارها، زنان سالخورده ای هستند که به تنهایی زندگی می کنند و از طریق کمک های حمایتی نیازهای خود را رفع می کنند. در سایر خانوارها، یک تا ۵ تن مشغول به کارند (نمودار ۲).

تعداد شاغلان

مشاهده می شود ۴۰/۸ درصد خانوارهای زنان سرپرست خانوار فقط یک تن شاغل دارند. با افزایش تعداد شاغلان از شمار خانواده ها کاسته می شود، به گونه ای که فقط در ۱۴/۵ درصد خانوارها بیش از دو تن شاغل وجود دارد.

جدول ۴: توزیع زنان سرپرست خانوار به تفکیک منابع درآمد

درصد	تعداد	منابع درآمد
۲۵/۱	۴۵	اشتغال زنان
۲/۸	۵	اشتغال فرزندان
۱۶/۲	۲۹	منابع حمایتی
۳۸/۶	۶۹	اشتغال زنان و فرزندان
۱۲/۸	۲۳	اشتغال زنان و منابع حمایتی
۴/۵	۸	اشتغال زنان، فرزندان و منابع حمایتی
۱۰۰	۱۷۹	جمع

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

از جمع ۷۳ خانواری که یک تن شاغل دارند، در پنج خانوار فرزندان نان آور خانواده اند و در ۶۸ خانوار دیگر فقط زنان فعالیت درآمدزا دارند، هرچند ۲۳ تن آنها از کمک های حمایتی نیز برخوردارند.

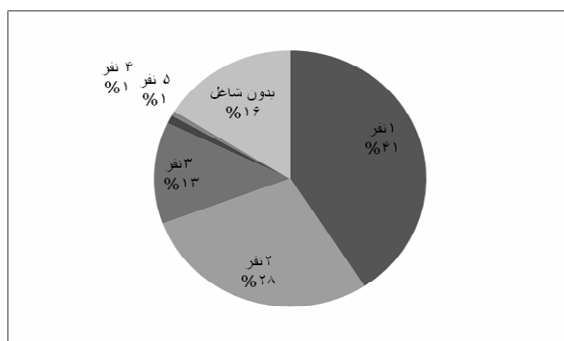
اگر بدانیم که از جمع خانوارهای دارای یک تن شاغل، ۸۲/۲ درصد خانوار را خانواده های سه نفره و بیش تر تشکیل می دهند، آن گاه مشخص می شود که زنان سرپرست خانوار با توجه به سطح سواد پایین، نداشتن مهارت های شغلی و کمبود منابع درآمدی با چه مشکلات روبرو هستند. این وضعیت میزان آسیب پذیری آنان را افزایش داده و گاه آن ها را وادار به انجام کارهای غیر اخلاقی و غیر قانونی می کند، هم چنان که ۹/۴ درصد از زنان نمونه با انجام فعالیت های غیر قانونی کسب درآمد می کنند.

میزان درآمد

کار زنان و فرزندان و کمک های حمایتی برای خانواده های زنان سرپرست خانوار ایجاد درآمد می کند. در برخی از خانوارها یکی از این منابع سه گانه و در بعضی دیگر ترکیبی از آن ها، درآمد کل خانواده را فراهم می کند و براساس این که هر خانوار از چند منبع درآمدی برخوردار باشد، میزان درآمد آن ها تفاوت می کند (جدول ۵).

در جدول ۵ مشخص است که درآمد خانوارها از ۱۵ تا ۲۲۰ هزار تومان تفاوت می‌کند و کم‌ترین متوسط درآمد متعلق به خانواده‌هایی است که تنها منبع درآمد آن‌ها کمک‌های حمایتی است و بیش‌ترین متوسط درآمد با ۱۲۵ هزار تومان به خانوارهای تعلق دارد که از هر سه منبع درآمدی برخوردارند، هر چند تعداد آنان اندک است.

نمودار ۲: خانوارهای زنان سرپرست خانوار به تفکیک تعداد شاغلان



جدول ۵: میزان کل درآمد خانوارهای زنان سرپرست خانوار به تفکیک منبع درآمد (هزار تومان)

منبع درآمد	تعداد خانوار	درآمد	
		حداقل	حداکثر
کار زنان	۴۴	۱۵	۱۰۰
کار فرزندان	۵	۴۰	۱۰۰
کمک‌های حمایتی	۲۹	۱۵	۱۰۰
کار زنان و فرزندان	۶۵	۵۰	۲۰۰
کار زنان و منابع حمایتی	۲۳	۲۵	۹۰
کار فرزندان و منابع حمایتی	۵	۵۵	۹۰
کار زنان و فرزندان و منابع حمایتی	۸	۹۰	۲۲۰
جمع	۱۷۹	۱۵	۲۲۰

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

اگر خانوارهای نمونه با توجه به کل درآمد خانوار طبقه بندی شوند، مشاهده می شود که ۷۹/۹ درصد خانواده ها ماهانه مبلغی کم تر از ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشته و ۳۰/۷ درصد خانوارها کم تر از ۵۰ هزار تومان درآمد ماهانه دارند (جدول ۶).

هم چنین متوسط درآمد خانوارها در هر ماه مبلغ ۷۲ هزار تومان است که ۵۷/۵ درصد خانوارها کم تر از این رقم به دست می آورند.

به نظر می رسد میان میزان درآمد ماهانه‌ی خانوارها و تعداد افراد و تعداد شاغلان آن ها ارتباط وجود دارد. برای سنجش هم بستگی بین دو متغیر مستقل، تعداد افراد و تعداد شاغلان خانوار و متغیر وابسته درآمد از آزمون پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون نشان می دهد که میان این متغیرها رابطه‌ی مستقیم در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. به این مفهوم که با ضریب اطمینان ۹۹ درصد، با افزایش تعداد افراد خانوار و یا تعداد شاغلین خانوار، بر میزان درآمد خانوار افزوده می شود.

جدول ۶: توزیع میزان درآمد ماهانه خانوارهای زنان سرپرست خانوار

مبلغ (هزار تومان)	تعداد	درصد
کمتر از ۲۰	۳	۱/۷
۲۰ - ۳۹	۳۴	۱۹
۴۰ - ۵۹	۲۶	۱۴/۵
۶۰ - ۷۹	۴۸	۲۶/۸
۸۰ - ۹۹	۳۲	۱۷/۹
۱۰۰ - ۱۱۹	۱۷	۹/۵
۱۲۰ - ۱۳۹	۳	۱/۷
۱۴۰ - ۱۵۹	۶	۲/۴
۱۶۰ - ۱۷۹	۵	۲/۸
۱۸۰ - ۱۹۹	۲	۱/۱
بیش از ۲۰۰	۳	۱/۷
جمع	۱۷۹	۱۰۰

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

هزینه‌های خانوار

بر اساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه، در سال ۱۳۸۵ به طور متوسط ۴۸/۶ درصد از هزینه‌های خانوار، صرف تأمین مواد خوراکی شده است و ۵۱/۴ درصد دیگر به سایر هزینه‌ها مربوط است. در میان هزینه‌های غیر خوراکی، مسکن بالاترین سهم را دارد و به طور متوسط ۵۰/۸ درصد از هزینه‌های غیر خوراکی خانوار نمونه برای تأمین مسکن صرف شده است. بدیهی است در خانوارهایی که بابت تأمین مسکن، اجاره پرداخت می‌شود، هزینه‌ی مسکن یکی از اقلام مهم در فهرست هزینه‌های خانوار است. هزینه‌های پوشاک و کفش با ۱۴/۵ درصد و هزینه درمان و بهداشت با ۱۰ درصد، پس از هزینه‌ی مسکن، مهم‌ترین هزینه‌های غیر خوراکی خانوارها می‌باشد (جدول ۷).

در کل هزینه‌های خانوار نیز، هزینه‌های مسکن، پوشاک و کفش و بهداشت و درمان پس از هزینه‌های خوراکی قرار دارند.

بالا بودن سهم هزینه‌های خوراکی در خانوارهای زنان سرپرست خانوار نمونه، مشابه نتایج مطالعاتی است که در سطح کشور انجام شده و نشان می‌دهد که سهم هزینه‌های خوراکی در خانوارهای تحت سرپرستی زنان در نقاط روستایی به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. (امین رشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

جدول ۷: متوسط هزینه‌های غیر خوراکی خانوارهای زنان سرپرست خانوار

گروه‌های عمده	درصد	درصد تجمعی
پوشاک و کفش	۱۲	۱۲
بهداشت و درمان	۱۰	۲۲
مسکن	۵۱/۷	۷۳/۷
حمل و نقل	۵/۵	۷۹/۲
آموزش	۲/۵	۸۱/۷
لوازم منزل	۷/۳	۸۹
تفریحات	۳	۹۲
سایر	۸	۱۰۰
جمع	۱۰۰	

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

نتیجه‌گیری

در کشورها، زنان سرپرست خانوار با مشکلات گوناگونی روبرو هستند. بی‌سوادی و کم‌سوادی، فرصت‌های شغلی اندک و تبعیضات فرهنگی و اجتماعی در زندگی این گروه از زنان تأثیر زیادی دارد، که منجر به بروز افسردگی، اضطراب و سایر اختلالات روان‌شناختی در آن‌ها می‌شود (خسروی، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۸).

زنانی که توانایی اداره اقتصادی خود و خانواده را ندارند، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۲) در نواحی روستایی کشورمان زنان سرپرست خانوار از محرومیت بیش‌تری برخوردارند. یافته‌های این تحقیق، که پیرامون شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار در شماری از آبادی‌های حاشیه شهر مشهد است، موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. بیشتر زنان شاغل از طریق مشاغل کارگری کسب درآمد می‌کنند. این‌گونه فعالیت‌ها معمولاً ثبات کاری نداشته و از درآمد اندکی برخوردارند.

۲. در میان زنان، تعداد کمی کشاورز و دامدارانند این گروه از زنان که نقش مهمی در مراحل مختلف فعالیت‌های تولیدی دارند، فاقد حق مالکیت بر منابع تولیداند.

۳. زنان سرپرست خانوار با استفاده از درآمد حاصل از کار خود، کار فرزندان، منابع حمایتی و ترکیبی از آن‌ها هزینه زندگی را تأمین می‌کنند. فعالیت‌های درآمدزای زنان، نقشی مهم در تأمین هزینه‌های خانواده دارد.

۴. تعداد شاغلان در خانواده‌های زن سرپرست خانوار کم است. در بخش عمده‌ای از خانوارها فقط یک نفر شاغل وجود دارد، در حالی که بیشتر آن‌ها خانوارهای سه نفره و بیش‌تراند. تعداد کم شاغلان همراه با فعالیت در مشاغل بی‌ثبات، فصلی و کم درآمد منجر به پایین بودن درآمد خانوارها شده است. به گونه‌ای که در هشتاد درصد از خانوارهای نمونه، درآمد ماهانه کم‌تر از صد هزار تومان است.

۵. در میان هزینه‌های غیرخوراکی، مسکن بخش مهمی از درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد. بالا بودن هزینه‌ی مسکن در میان خانوارهای اجاره‌نشین، در ایجاد این وضعیّت تأثیرگذار بوده است.

پیشنهادها:

افزایش روزافزون تعداد زنان سرپرست خانوار و مشکلات حاکم بر زندگی آنان، سبب شده حمایت از زنان سرپرست خانوار به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی توسط جامعه‌ی جهانی پذیرفته شود و در تمام کشورها راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی آنان به کار گرفته شود. با توجه به مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار، کاهش مشکلات، حل و ارتقای وضعیت اقتصادی زنان، نیازمند برنامه‌های دراز مدت است، اما برای حل تدریجی این دشواری‌ها موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

- توجه بیش از پیش به موضوع زنان سرپرست خانوار هم در بخش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و هم در بخش اجرایی: در این زمینه، ضروری است مفاد از قوانین مختلف کشور که به حمایت از زنان سرپرست خانوار اختصاص یافته، به مرحله‌ی اجرا درآید و هم‌چنین در تهیه و تصویب قوانین جدید به گونه‌ای عمل شود که اجرای آن‌ها منافاتی با حمایت‌های قانونی از زنان سرپرست خانوار نداشته باشد.
- ارائه‌ی خدمات حمایتی به زنان سرپرست خانوار ناتوان: شماری از زنان سرپرست خانوار بیش از ۶۰ سال سن دارند، تعدادی از این افراد افزون بر کهولت سن بیمار نیز هستند. این گروه از زنان قدرت و توانایی انجام فعالیت‌های درآمدزا را ندارند، بنابراین لازم است خدمات حمایتی برای آنان برقرار شده و یا تداوم یابد. در راستای اجرای عدالت اجتماعی ارائه‌ی خدمات حمایتی به این گروه از زنان سرپرست خانوار می‌تواند در زمینه‌های مختلف باشد که مهم‌ترین آن‌ها پرداخت مستمری و بیمه درمانی است. بدیهی است که میزان مستمری باید با توجه به نرخ تورم تعیین شود.
- ایجاد زمینه‌ی مناسب برای اشتغال زنان در مشاغل باثبات و با درآمد کافی. حرفه‌آموزی، خوداشتغالی و توانمندسازی اقتصادی زنان با استفاده از تسهیلات بانکی و مشارکت مراکز دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند در فراهم نمودن شرایط لازم جهت اشتغال پایدار زنان سرپرست خانوار مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

۱. امین رشتی، ناریس (۱۳۷۹)، "زنان و نقش آنان در مدیریت مصرف"، مجموعه مقالات همایش زنان و صرفه‌جویی، تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ص ۱۲۳-۱۴۶.
۲. جهاد (۱۳۷۳)، *ترویج کشاورزی و زنان کشاورز در دهه‌ی ۱۹۸۰*، قسمت دوم، ترجمه‌ی شیرین آبادیخواه، سال چهاردهم، شماره ۱۷۰، ص ۵۱-۵۵.
۳. خسروی، زهره (۱۳۸۰)، "بررسی آسیب‌های روانی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار"، فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهرا، شماره ۳۹، تهران: ۷۱-۹۲.
۴. شایان، حمید (۱۳۸۲)، *به هنگام سازی طرح سطح بندی خدمات روستایی استان خراسان*، شهرستان مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان.
۵. شادی طلب، ژاله، گرابی نژاد، علیرضا (۱۳۸۳)، *قصر زنان سرپرست خانوار*، پژوهش زنان، (۱)۲ شماره ۸، تهران: ۴۹-۷۰.
۶. شادی طلب، ژاله-وهایی، معصومه-ورمزیار، حس (۱۳۸۴)، *قصر درآمدی فقط یک جنبه از قصر زنان سرپرست خانوار*، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، تهران: ص ۲۲۷-۲۴۸.
۷. محمدی، زهرا (۱۳۸۳)، *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه‌ی ۸۰-۱۳۷۰*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
۸. مرکز آمار ایران (۱۳۴۷)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، آبان ۱۳۴۵، کل کشور، تهران، سازمان برنامه.
۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی*، تهران.
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*، www.sci.org.ir.

11. Buvinic. Mayra, (1995), *Investing in Women*, Washington DC, International Center for Research on Women.
12. Fuwa, Nobuhiko, (2000), *The Poverty and Heterogeneity Among female-headed Households Revisited: The case of Panama*, World Development, 28:8, 1515-1542.
13. Chant, Sylvia, (1996), *Women's Roles in Recession and Economic in Mexico and Philippines*, Geoforum, 27:3, 297-327.

14. Chant ,Sylvia, 2003),*Female Household Headship and the Feminization of Poverty : Facts , Fiction and Forward Strategies* , London , School of Economics , Gender Institute , New Working, Paper Series Issue 9.
15. Gafar, John,(1998) , *Growth , Inequality and Poverty in Selected Caribbean and Latin American Countries , with Emphasis on Guyana* , Journal of Latin Antin American Studies , 30 :3 , 591-617.
16. Gonzalez de ka Rocha , /Mercedes and Grinspun ,Alejandro , (2001) ,*private Adjustments :Households , crisis and Work ,in Alejandro Grinspun (ed) , Choices for the Poor : Lessons from National Poverty Strategies*, New York: NDP , 55-87.
17. Horrell,Sara and Pramila Krishnan , (2006) , *Poverty and Productivity in Female – Headed Households in Zimbabwe* , Faculty of Economic , University of Cambridge , CB3 9DD.
18. Takane , Tsutomu,(2007) , *Diversities and Disparities among Female – Headed Households in Rural Malawi* , Institute of Developing Economies , Ids Discussion , Paper ,No.124 .

مشخصات نویسندگان:

دکتر جعفر جوان، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر مجید یاسوری، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه گیلان

دکتر محمد رحیم رهنما، عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر گروه پژوهشی برنامه ریزی

شهری - منطقه ای جهاد دانشگاهی مشهد

Rahnama@Ferdowsi.um.ac.ir

نسرین احمدیان شالچی، دانشجوی دوره دکتری برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد